



برای جلوگیری از بحران انزوا گفت‌وگورا در خانواده تقویت کنیم

انسان مدرن انسانی تنهاست. در هیاهوی زندگی سریع و ارتباطات گسترده، گاهی خودش را غرق شده می‌بیند. حجم وسیع دغدغه‌های ذهنی و مشغولیت‌های زمانی برای تأمین معاش و عقب‌نماندن از تغییرات شتابنده سبک زندگی کنونی زندگی امروز را به زندگی شلوغ و سرشار از فشارهای روانی و اضطراب‌های ذهنی و اجتماعی تبدیل کرده است. انسان‌ها مجبورند برای تأمین بقای خود بیش از گذشته تلاش کنند. از سوی دیگر، فناوری به نوعی زندگی فردی و جمعی آنان را تسخیر کرده است.



دکتر مهتاب علی‌نژاد
جمله‌شناس

به فضای مجازی کشانده‌اند. امروزه اغلب ارتباط بین نسل والدین در کانون خانواده با نسل فرزندان که نسل دیجیتال و ارتباطات فراملی هستند در فضای مجازی صورت می‌گیرد. میدان گفت‌وگو از سر میز غذا، شب‌نشینی‌های حضوری و گفت‌وگوهای چهره‌به‌چهره در گیر است. اگر در گذشته‌ای نه‌چندان دور انسان‌ها روابطی صمیمانه، عمیق و محدود داشتند، امروزه دارای روابط گسترده، سطحی و سوداگراانه هستند. ارتباطات امروزه به کلافی سردرگم می‌ماند. افراد به دلایلی متعددی نظیر حفظ موقعیت شغلی یا حتی تولید شغل، سرگرمی و رفع خستگی، کسب اطلاعات و افزایش دانش، مرتب خود را به فضاهای ارتباطی گره می‌زنند. انسان‌ها در فرایند حضور فعال در فضاهای مجازی، سبک ارتباطی خود را حتی در روابط بین فردی

روابط گسترده سطحی و سوداگراانه

پیشرفت فناوری در کنار فواید متعدد مانند افزایش رفاه، جنبه‌های تاریک و آسیب‌زایی نیز به همراه داشته است این روزها آدم‌ها اغلب به طور فیزیکی در کنار یکدیگرند اما ذهن آنان در فضاهای مجازی و ارتباطات گسترده در گیر است. اگر در گذشته‌ای نه‌چندان دور انسان‌ها روابطی صمیمانه، عمیق و محدود داشتند، امروزه دارای روابط گسترده، سطحی و سوداگراانه هستند. ارتباطات امروزه به کلافی سردرگم می‌ماند. افراد به دلایلی متعددی نظیر حفظ موقعیت شغلی یا حتی تولید شغل، سرگرمی و رفع خستگی، کسب اطلاعات و افزایش دانش، مرتب خود را به فضاهای ارتباطی گره می‌زنند. انسان‌ها در فرایند حضور فعال در فضاهای مجازی، سبک ارتباطی خود را حتی در روابط بین فردی

زنده هستیم اما آیا زندگی می‌کنیم؟

انسان زندگی صنعتی که از محل کار به خانه می‌شتافت تا در آن آرامش یابد و ارتباط عاطفی برقرار کند و با سایر

افراد خانواده تبادل افکار داشته باشد امروزه بدون بازگشت مشتاقانه به منزل هم می‌تواند از هر نقطه‌ای که در آن حضور دارد با خانواده ارتباط برقرار کند با این تفاوت که مشغله‌های فکری و کاری در زندگی کنونی به اندازه‌ای افزایش یافته که فرصت گفت‌وگو اندک شده است و در موارد بسیاری اهمیت گفت‌وگو در هیاهوی تأمین بقا و ایجاد راه‌گم می‌شود. افراد جامعه می‌آموزند با توجه به شرایط متفاوت زیستی و اجتماعی چگونه تغییر کنند اما این یک بخش ماجرای زیستن است؛ بخش حفظ بقا و زنده ماندن. این نوع مهارت تغییر مطابق شرایط اگرچه زنده بودن را سبب می‌شود، نمی‌تواند برای زندگی کردن هم تضمین بدهد. در جامعه در حال گذار به سوی توسعه یافتگی و حتی در برخی موارد در جامعه مدرن، انسان‌ها زنده می‌مانند اما از زندگی کردن بازمی‌مانند. برای زندگی کردن، آنان نیازمندند که به تبادل افکار از طریق گفت‌وگو بپردازند تا بتوانند معناسازی، و بر اساس معناها هدف و انگیزه تولید کنند. باید بیاموزند چگونه، چرا، چه موقع و با چه کسانی تعامل برقرار کنند و چگونه از حجم اضطراب‌های متعدد با کمترین آسیب خارج شوند.

مادران باید گفت‌وگورا بیاموزند

پایه و اساس مهارت گفت‌وگو در کودکی و از خانواده آغاز می‌شود. از تعامل مادر و کودک و در گام بعدی پدر و همه اعضای خانواده. آدم‌ها اگر از مهارت گفت‌وگو بی‌بهره بمانند در درک گسترده و عمیق از زیست اجتماعی دچار چالش می‌شوند. در تولید معنا موفق عمل نمی‌کنند و موفق به برقراری تعامل نمی‌شوند. این مهارت پذیرش‌گیری اجتماعی از خانواده آغاز می‌شود، از فردی به نام مادر، و از دوران جنینی تا پایان نوجوانی، یعنی نوزده سالگی، ادامه می‌یابد. فرزندان یک خانواده که همان نسل بزرگسال جامعه را تشکیل خواهند داد چه درون‌گرا باشند و چه برون‌گرا برای زندگی سالم و موفق در جامعه با مخاطرات متعددش نیازمند آموزش دیدن برای برقراری ارتباط هستند، نیازمند بهره‌گیری صحیح و مناسب از زبان. انسان‌ها در گفتن و شنیدن است که می‌توانند خود و محیط پیرامون خود را کشف و ارزیابی کنند. چه این کشف و ارزیابی در محیط مجازی انجام پذیرد چه در محیط واقعی، بدون آزمون و خطا میسر نمی‌شود. مادران هستند که به فرزندان خود می‌آموزند که میان یک موجود اجتماعی بودن

و یک موجود منزوی بودن کدام یک را انتخاب کنند. اگرچه ساختار اجتماعی و شرایط فرهنگی در چگونگی انتقال آموزش توسط مادران از نقش بسزایی برخوردار است، کلید تلاشی چگونگی ارتباط‌گیری و تعامل نزد مادران است به این دلیل که اولین و نزدیک‌ترین فرد بزرگسالی هستند که در زندگی هر فرد اجتماعی ایفای نقش می‌کنند. اگر مادران توانایی برقراری ارتباط از طریق گفت‌وگو را به طور صحیح آموخته و تدبیر داشته باشند، فرایند انتقال معنا در تجربه گفت‌وگوهای بین فردی با کمترین آسیب اجتماعی شکل می‌گیرد اما آیا این ایده‌آل پرورشی در جامعه ما امکان واقعیت یافتن داشته است؟

نهادهای اجتماعی از مادران حمایت همدلانه کنند

دختران از این جهت که مادران آینده و اولین‌های مهم نسل پس از خود هستند بیش از پسران می‌کشند که وارد فضاهای گفت‌وگویی شوند و تدبیر امور درونی خانواده را بیاموزند. می‌توان گفت امروزه جنسیت به طور اجتماعی نقش کم‌رنگ‌تری در مقایسه با گذشته دارد. به علاوه، از جنبه انسان‌گرایی دختر و پسر هر دو باید از فضای تعامل سالم در خانواده برخوردار باشند تا بتوانند در بزرگسالی چرخه انتقال مهارت زیستن به فرزندان نسل بعدی را حفظ کنند. این در حالی است که نمی‌شود بر جنبه زیستی ارتباط عاطفی و نزدیک مادران چشم‌پوشید زیرا فرزندان یا به عبارتی نسل آینده را در بدن خود حفظ می‌کنند و به ثمر می‌رسانند. لزوم اجرایی کردن تمهیداتی برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی که ناشی از عدم تعامل و جایگزینی انزوا و اجتماعی بودن است بر عهده نهادهای اجتماعی است که مادران را حمایت آموزشی و همدلانه کنند. اگرچه در جامعه ایران به دلیل بافت فرهنگی سنتی که بر روابط بین فردی غالب است گفت‌وگو هنوز هم محور استواری روابط درون خانواده است، نیازمند سیاست‌گذاری‌های عمومی در جهت آموزش مهارت تعامل مطابق با سبک زندگی تغییر یافته از سنتی به سوی مدرن امروز در جامعه ایران است. گفت‌وگو در تعامل ایرانی امروزه با چالش افزایش شکاف نسلی ناشی از تغییر سبک زندگی روبه‌روست و به مفهومی تبدیل شده است که بیش از گذشته نیازمند کسب مهارت برای ورود به گفت‌وگوی سالم و تعامل مؤثر است.

امروزه جنسیت به طور اجتماعی نقش کم‌رنگ‌تری در مقایسه با گذشته دارد. به علاوه، از جنبه انسان‌گرایی دختر و پسر هر دو باید از فضای تعامل سالم در خانواده برخوردار باشند تا بتوانند در بزرگسالی چرخه انتقال مهارت زیستن به فرزندان نسل بعدی را حفظ کنند. این در حالی است که نمی‌شود بر جنبه زیستی ارتباط عاطفی و نزدیک مادران چشم‌پوشید زیرا فرزندان یا به عبارتی نسل آینده را در بدن خود حفظ می‌کنند و به ثمر می‌رسانند



(۴)



شهربانو

۲۳ شنبه
۱۳۹۹ آبان
۱۶ رجب‌الاول ۱۴۴۱ شماره ۳۳۹



حضور پررنگ زنان در دانشگاه‌ها

طبق آمار منتشر شده از طرف سازمان سنجش در سال ۱۳۹۹ زنان با ۱۰۱ هزار و ۹۱۲ نفر، به عبارتی ۵۳/۶ درصد، بیشترین قبولی رشته‌های کنکور را داشته‌اند. مردان نیز ۸۸ هزار و ۳۴ نفر، یعنی ۴۴/۴ درصد آمار، را به خود اختصاص داده‌اند.

ایراندخت



غلامرضا آذری خاکستر
گروه‌ساز و پژوهشگر تاریخ

روایت‌هایی از مسجد «پیرزن»



مسجد پیرزن در حافظه جمعی قدیمی‌های شهر مشهد با داستان و روایت‌هایی همراه بوده است. این شفاهیات به مرور کم‌رنگ و فقط در برخی آثار مکتوب نیم قرن اخیر ردی از آن‌ها باقی مانده است. هر چند منشأ روایت‌های شفاهی به طور دقیق مشخص نیست، گذر زمان و دگرگونی در بافت مهم‌ترین عامل فراموشی آن‌ها محسوب می‌شوند.

مرحوم محمد احتشام کاویانیان در اثر مشهورش، «شمس‌الشموس» یا «انیس‌النفوس»، با اشاره به مسجد پیرزن نوشته است: قبل‌تر در وسط مسجد گوهرشاد فضای مربعی سکوماندی بود که دور خود درگاه‌هایی با میله و سرانداز مربع سنگی طویل داشت. با حصار مفروش، و به مسجد پیرزن مشهور بود تا اینکه متولی مسجد گوهرشاد تصمیم گرفت در محل مسجد پیرزن حوض آبی بسازد. همین که شروع به خاک‌برداری شد، عده‌ای بر اساس قصه‌های افواهی جار و جنجال راه انداختند و مخالف ساختمان حوض بودند. ضمن خاک‌برداری، آثار حوض قدیمی از زیر خاک نمایان شد. مشخص شد بر اثر زلزله حوض شکسته و آثار آن زیر خاک باقی مانده است.

اما نویسند «مسجد و موقوفات گوهرشاد» ضمن پرداختن به روایت تاریخی مسجد پیرزن زمینه‌های تاریخی آن را چنین بیان کرده است: گوهرشاد هنگام خرید زمین برای احداث مسجد به زمین پیرزنی در آن محدوده بسر می‌خورد که زال راضی به فروش آن نمی‌شود. وی به جای اصرار و اجبار، قطعه زمین را در میانه مسجد باقی می‌گذارد که بعدها به مسجد پیرزن یا بیوزن شهرت می‌یابد. در این میان، روایت دیگری هم وجود دارد و حکایت از آن دارد که در سال ۱۰۸۴ قمری زال‌های شدید در مشهد باعث خسارت و خرابی به مسجد گوهرشاد می‌شود. زال بیک اقدام به تعمیر اساسی این بنا می‌کند و در کتیبه‌ای این واقعه را ثبت کرده است. وی پس از تعمیر و مرمت مسجد در وسط صحن ستون‌های سنگی ساخته و به نام خود، زال بیک یا پیرزال، نامید. بعدها به مرور زمان، نام «زال» به «زن» تبدیل شد.

در مجموع نمی‌توان به اصل موضوع نگاه تردیدآمیزی داشت زیرا روایات افواهی (خبری که صدق و کذب آن معلوم نیست) در لحظه به وجود نیامده‌اند. این دسته از شفاهیات سال‌های متمادی توسط نسل‌های مختلف حفظ شده‌اند ولی آنچه حائز اهمیت است در جریان تاریخ با از بین رفتن اصل بنا شاهد فراموشی این گونه روایت‌ها هستیم.

مسجد پیرزن تا اوایل دهه ۱۳۲۰ خورشیدی هم چنان وجود داشت. در سال‌های بعد، ستون‌های سنگی برجیده و نام مسجد پیرزن هم به مرور فراموش می‌شود. مهندس رضا دیشیدی، از معماران هنرهای اسلامی، درباره مسجد پیرزن معتقد است: آنجا مسجد نبوده و حوض آب بوده است. پیرزن ضعیف‌ترین موجود بشری است. کسی به او نگاه نمی‌کند و پناهی ندارد. این داستان پیرزن در ایوان مداین، شنب‌غازان و مسجد شاه اصفهان نیز به شکلی وجود دارد. این داستان می‌خواهد به من معمار یادآوری کند وقتی می‌خواهم ساختمان سازمان حق ندارم در راستای ساخت چنین بناهای با عظمت، ظلم کنم، حتی به ضعیف‌ترین موجود بشری که پیرزن باشد. این جزو اخلاق معماری است. اینجا همان داستان تکرار می‌شود.

داستان‌های کوتاه آن را بخوانید. ممکن است به فکر فرو بروید و نگاهتان به چیزهای ساده و آدم‌های خیلی ساده‌تر اطرافتان عمیق‌تر شود.

را می‌بینید که خیلی شیرین به تصویر کشیده شده است، درباره آدم‌های ساده دوروبرمان! تفاوت نویسنده این داستان‌ها با ما این است که خیلی دقیق‌تر به آدم‌های دور و برش نگاه و آن‌ها را توصیف کرده است، با همه ویژگی‌های ساده انسانی‌شان و با قلمی طنازانه! اگرچه هر کدام از این قصه‌ها می‌تواند طولانی‌تر باشد، انگار نویسنده به‌عمد تلاش کرده تنها ناخنکی به بخشی از زندگی آدم‌ها بزند. آدم‌هایی که در گذشته او وجود داشته‌اند. اما نکته جالب کتاب این است که او از رویدادهای ساده، روابط معمولی و همیشگی و زندگی روزمره دریافت‌های عمیقی برای فهم جهان و رابطه‌ها ارائه می‌دهد. اگر بیشتر به داستان‌های کوتاه او دقیق شوید، نمادگرایی عمودی نویسنده را درمی‌یابید. او به واسطه اتفاقات ساده مثل کندن پوست روییده کنار ناخن و درد عمیق و خون‌ریزی عجیب ناشی از کندن آن، رابطه‌ای دردناک را به تصویر می‌کشد که خیلی ساده هم اتفاق می‌افتد. این کتاب کوچک را در کیفتان داشته باشید و هر زمان فکر کردید حوصله خواندن متنی عمیق و متفکرانه را ندارید، یکی از

خرده‌جنایت‌های بی‌زن و شوهری

• نویسنده: مهسا ملک‌مرزبان
• نشر بان



خرده‌جنایت‌های بی‌زن و شوهری

• نویسنده: مهسا ملک‌مرزبان
• نشر بان